



سروده ای از دکتر فلور طاهر تهرانی (خاور دخت)

## باز بهار آمده

فصل گلستان شده ، باز بهار آمده  
وقت می ارغوان، خلوت یار آمده  
زنده شده خاک ازو، میوه به دار آمده  
مژده دهد زندگی، غصه کسار آمده  
جامه شب برود ، صبح سوار آمده  
جان پر از غصه را، رحمت یار آمده  
خنده کند آسمان ، لطف مکار آمده  
خاک سیاه خزان ، لاله عذار آمده  
شور خوش زندگی ، بر سرکار آمده  
رو بکشد در خفا ، باز بهار آمده

غنچه به دشت و دمن، باز به بار آمده  
بر رخ سبز چمن، جلوه کند زندگی  
پرتو مهر بهار ، بوسه زند بر زمین  
نغمه زهر سوزند، مرغک دل داده ای  
جلوه نور حیات ، باز درخشان شده  
ابر یار دهمی ، اشک ز چشم ترش  
زشتی و آلودگی شسته شود بی امان  
تازگی آمد زرد، کهنگی از در شود  
در قدم نوبهار خسته نشاید بدن  
تا بید زندگی ، شرم کند تیرگی